



رساله موسیقی گمنام

چنانکه در شماره پیش وعده کردیم متدرجاً رساله های کوتاه موسیقی را که بزبان فارسی نوشته شده و تا کنون از دسترس اهل فن و علاقه مندان بصنعت و هنر دور افتاده است در این مجله انتشار خواهیم داد؛ باشد که در نتیجه تماس با آثار هنرمندان قدیم، ایمان و احترام بعظمت دیرینه کشور در دلها استوار گردد و زمینه فنی برای چاپ و انتشار آثار مفصلتری در همین باب آماده شود و مجله موسیقی بتواند در سال آینده دست بانقشار ترجمه آثار صافی الدین و کتابهای بینظیر خواجه عبدالقادر بزند.

نخستین رساله ای که در این شماره بچاپ میرسد هر چند یکی از قدیمترین آثار کوتاه فن موسیقی بزبان فارسی میباشد ولی جای تأسف است که نام نویسنده آن معلوم نیست و از ابتدای آن نیز باندازه یک صفحه افتادگی دارد اما این افتادگی طوری نیست که بمطلب لطمه وارد آورد و تنها قسمت مقدمه باب اول که مشتمل بر اسامی مقامات موسیقی است از میان رفته و جزئی نیز از داستان ارتباط لفظ موسیقی بانام موسی پیغمبر که در رساله های دیگر بعداً بطور کامل ملاحظه خواهد شد نیز افتاده است. این افسانه که از مقوله اسرائیلیات علم موسیقی محسوب میشود باندازه ای در کتابها و رساله های دیگر تکرار شده که فعلاً بیاد آوری آن در اینجا نیازی نیست.

خوشبختانه مؤلف این رساله اسامی مقامات را پس از این افسانه بار دیگر تکرار میکنند و برای خواننده جای تأسفی در حذف مقدمه این باب، که شاید بیش

از دوسه سطر نبوده، باقی نمیماند. نویسنده این رساله از معاصرین سلطان حسین بایقرا بوده و در شهر هرات مرکز علم و ادب و صنعت آن زمان میزیسته است. چنانکه در باب نهم ضمن اسامی بحرهای اصول ایقاع که بر کلیات قدیم افزوده شده میگوید:

«و دیگر این فقیر را دو کلیات واقع شده: یکی پیروی کلیات خواجه کمال الدین عبد القادر و یکی دیگر اختراع، مولانا حسین واعظ فرمودند که کلیات میباید در اصول که آسان باشد تا هر که خواهد یاد گیرد و غزلی داد باین فقیر از ترجیعات شیخ فخر الدین عراقی و آن اینست: عشق در پرده مینوازد ساز الخ... و این کلیات را فقیر در اصول دو یک ساختم.» از این نکته معلوم میشود نویسنده این رساله معاصر ملاحسین کاشفی واعظ بوده که غالباً در هرات میزیسته و در سال ۹۱۰ هجری مرده است. در این عصر جامی شاعر نیز رساله ای در موسیقی نوشته که نسخه ای از آن در کتابخانه ملی پاریس موجود و بعلاوه مؤلف در الممتخبه از آن رساله جامی در کتاب خود اقتباساتی کرده است، اما این رساله از سیاق تعبیر مؤلف وریشه سازی که برای کلمه موسیقی کرده و طرز نامزدن از کاشفی نباید از آن جامی باشد و مربوط بیکی از هنرمندان دیگر است که در عصر سلطان بایقرا میزیسته اند و رساله ای هم در ترجمه احوال ایشان بزبان ترکی نوشته شده که اکنون در یکی از کتابخانه های اروپا موجود است. *جامع علوم انسانی*

نسخه ای که اساس چاپ این رساله میباشد در جزو مجموعه ایست که سال گذشته داخل کتابخانه اینجانب گردید.

این مجموعه مشتمل بر چند رساله فارسی میباشد که هر یک از آنها در نوع خود بیهمتاست:

۱- رساله ایست راجع به سان سپاه سلطان خلیل پسر اوزون حسن در کنار بندهامیر فارس که از قرار معلوم از انشای مولانا جلال الدین دوانی فیلسوف معروف است. متأسفانه این رساله نیز اولش اندکی افتادگی دارد و از اواسط نیز باندازه چند

صفحه ناقص است اما این نقصان خوشبختانه طوری اتفاق افتاده که بسیاق مطلب زیبایی وارد نمیاورد و اطلاعات بسیار سود مندی از نظر تاریخ اجتماعی و نظامی ایران در آن عصر بفارسی شیرین آنهم بقلم یک تن دانشمند حاضر ناظر در دسترس ما قرار میدهد.

۲ - رساله ایست در معرفت تقویم تألیف محمود سراج که آخر آن قدری افتادگی دارد.

۳ - رساله موسیقی مورد بحث که در سال ۱۰۷۱ کانبی بنام فتح الله خواری آنرا نگاشته است.

۴ - تحفة الربیعیه بقلم حسین بن عثمان از نویسندگان دوره صفوی در علم اشاکه خوشبختانه کامل و دارای اطلاعات مفیدی است.

۶۰۵ - دو رساله در آداب حج و نماز که بزبان ساده نوشته شده و دومی اندکی نقص دارد.

رساله های اول و سوم و چهارم تا اندازه ای که نگارنده اطلاع دارد شاید منحصر بفرد باشد و در صورت وجود نسخه دیگری اگر خوانندگان ما را آگاه سازند بتصحیح و انتشار آنها مساعدت ذبقیمتی مبذول داشته اند.

باوجودیکه تصحیح رساله موسیقی و تکمیل آن از روی کتابهای دیگر میسر بود ولی بامید آنکه شاید نسخه دیگری از آن پیدا شود و خوانندگان مجله ما را از وجود آن مسبوق سازند بهمان صورت اصلی بچاپ میرسد و امید وار است هر گاه کسی نسخه دیگری در دسترس داشته باشد اختلاف نسخه ها و مقدار افتادگی را نوشته بدفتر مجله موسیقی ارسال دارد تا بنام فرستنده انتشار یابد.

محیط طباطبائی